

سلسلہ دروس خارج

# اصول فقہ

مبحث وضع

(اقام وضع)

جلسہ :

۸۹

تاریخ :

۹ / ۱۲ / ۱۶

وضع خاص  
موضوع له عام

؟

وضع عام  
موضوع له خاص

بحث امروز

وضع عام  
موضوع له عام

امکان دارد

وضع خاص  
موضوع له خاص

امکان دارد

وضع عام  
موضوع له خاص

✓ کلام مرحوم آخوند

✓ تقریر مرحوم مروّج از نظر آخوند

✓ نقد کلام مرحوم مروّج

✓ بیان اشکال حضرت امام نسبت به کلام مرحوم مروّج

✓ تقریر مرحوم قوچانی از نظر آخوند

آنچه تا به حال  
خوانده ایم

وضع عام  
موضوع له خاص

✓ بررسی اشکالات آیت الله وحید بر مرحوم قوچانی

✓ بررسی اشکال مرحوم روحانی

✓ بررسی تقریر حضرت امام از «وضع عام؛ موضوع له خاص»

آنچه امروز می  
خوانیم

### اشکال :

لفظ، مورد استعمال واقع می شود.

در استعمال باید معنی، «لحاظ» شود (اراده استعمالیه)

لحاظ، محتاج مفهوم است.

«وجودات» غیر از «مفاهیم» هستند.

**نتیجه :** اگر موضوع له لفظ، «وجود خارجی» باشد، لفظ، مفهوم ندارد و قابل استعمال نیست.

### ما می گوئیم :

استعمالات دو گونه است:

(۱) گاهی استعمال مفاهیم است : در این صورت باید مفاهیم (معانی) **لحاظ** شوند.

(۲) گاهی استعمال ادوات است : لذا وقتی می گوئیم حروف **ایجاد** هستند، به این معنی است که

حروف در کلام وجود ربط ایجاد می کند.

## اشکال دوم آیت الله وحید بر تقریر مرحوم قوچانی

معانی الفاظ، **دو** گونه اند:

- گاه **موجود** می شوند (زید هست)

- و گاه **معدوم** هستند (زید نیست)

در حالیکه اگر لفظی (مثلا الف) برای «وجود خارجی» بود، باید همیشه گفت: «**الف موجود است**»  
چراکه وجود همیشه موجود است.

**ما می گوئیم:**

اگر لفظی مفهوم «**لا بشرط از وجود و عدم**» داشت، حق همین است

ولی در **دو** صورت، لفظ قابل وجود و عدم نیست:

(۱) اگر لفظی مفهوم نداشت (مثل حروف)

(۲) یا مفهوم **بشرط وجود خارجی** داشت (لفظ برای زید به قید وجود وضع شده باشد)

مفهوم کلی ، لحاظ اجمالی وجودات خارجی (مصادیق آن مفهوم کلی) نیست!

دلیل : اتحاد وجود کلی با مصداق نمی تواند باعث مرآتیت شود.

### دو شاهد :

(۱) جنس و فصل با هم متحد وجودی هستند ولی بر هم حمل نمی شوند.

(۲) ابوت با اب، متحد وجودی هستند ولی بر هم حمل نمی شوند. (ابوت اب است، غلط است)

### ما می گوئیم :

(۱) این کلام ، تکرار اصل مدعی است

چراکه می فرماید اتحاد وجودی نمی تواند باعث لحاظ اجمالی شود.

(۲) مثال های زده شده، ربطی به بحث ندارد.

در فرض ایشان : «دو مفهوم» است و «یک وجود»

فرض ما : سخن درباره «مفهوم انسان» و «وجود انسان» است

- (۱) مقصود از وضع : تفهیم و انتقال به معنی است.
- (۲) موضوع له، وقتی دارای معنا است که مفهوم داشته باشد.
- (۳) اگر موضوع له، وجود خارجی یا وجود ذهنی باشد، معنا ندارد.

### ما می گوئیم :

اولا : غرض از وضع، واحد نیست:

(۱) گاهی «تفهیم و انتقال به معنی» است

(۲) گاهی «ایجاد ادوات» است اگرچه دارای معنی نباشد.

ثانیا : اینکه لفظ مفهوم نداشته باشد، به معنای آن نیست که معنی نداشته باشد. بلکه ما با شنیدن

این لفظ می فهمیم که مراد «مصدق خارجی این کلی» است.



## تقریر حضرت امام از «وضع عام؛ موضوع له خاص»

گاهی اینچنین است که:

معنای متصور در هنگام وضع = «کلی طبیعی» است

موضوع له = «مصادیق آن کلی» (نه زید و عمرو بما هم زید و عمرو)

یعنی لفظ برای «ما هو مصداق» وضع شده است.

عنوان اجمالی «**ما هو مصداق**» آلت است که لفظ برای افراد (بما هو مصداق) وضع شود

(نه برای زید و عمرو و بکر با خصوصیات خاصه هر یک از آنها)

زید و عمرو و بکر بی نهایت می باشند و قابل اینکه برای آنها لفظی وضع کرد، نیستند.

## تکمیل فرمایش حضرت امام

مراد حضرت امام :

- واضح، معنای **کلی طبیعی** (انسان) را تصور می کند.

- لفظ را برای **مصادیق** (به صورت عام انحلالی نه جزئی حقیقی) وضع می کند.

**نتیجه :**

**وضع :** عام است (انسان)

**موضوع له :** خاص است (کل ما یصدق علیه الانسان = عام اصولی)

## تکمیل فرمایش حضرت امام

### ان قلت :

«کل ما یصدق علیه الانسان» جزئی یعنی خاص نیست! پس موضوع له، خاص نمی شود.

### قلنا :

«کل ما یصدق ..» عام اصولی بوده و از موارد موضوع له خاص می باشد.

### ان قلت:

فی الواقع اینچنین است که:

(۱) **عام** (انسان) تصور شده است

(۲) «**تداعی معنی**» صورت گرفته و «ما هو مصداقه» از تصور «انسان» زائیده شده است

(۳) سپس لفظ بر **افراد** گذاشته شده است.

\*

**تصور اولیه** : انسان (کلی)

**تصور ثانویه وضع** : ما هو مصداق (کلی)

**موضوع له** : کل ما هو مصداق الانسان (جزئی)

### قلت :

تصور کلی انسان ما را به تصور کلی «**ما هو مصداق الانسان**» می رساند

ولی موضوع له این مفهوم کلی نیست بلکه موضوع له «**مصادیق خارجی**» هستند

## ما می گوئیم

اگر بپذیریم که از «کلی انسان» به «ما هو المصداق» منتقل شویم:  
در این صورت «ما هو المصداق» همان «کل ما هو المصداق» است که عام اصولی است.  
و چنانکه خود امام تصریح کرده بودند، این از مصادیق «وضع خاص؛ موضوع له خاص» می  
باشد.

## جمع بندی کلام حضرت امام:

(۱) اشکالات امام بر تصویر مشهور از «وضع عام؛ موضوع له خاص» صحیح می باشد.

(۲) ولی تصویری که ایشان از این نوع وضع ارائه کرده اند با مبنای ایشان سازگار نیست.

(۳) اگر کسی تصور «کل ما هو المصدق» [عام اصولی] را وضع عام بداند

(همانند مرحوم عراقی و مرحوم خوئی)

می تواند با این بیان «وضع عام؛ موضوع له خاص» را تصویر کند.